

نشست علمی ترویجی «نظریه تواتر نظام مند در روش شناسی فقه نظام»

حجت الاسلام عبداللهی گفت: کبرای نهفته در تواتر نظام مند، شبیه کبرای برهان نظم است که این نظم و هماهنگی نه می تواند صدفه و اتفاق باشد و نه خلق جاعلان و کذابین، بلکه همان گونه که از نظم این عالم به وجود ناظمی حکیم پی می بریم، از نظم و نظام روایات نیز به مصدری معصوم و حکیم یقین پیدا می کنیم.

به گزارش شبکه اجتهاد، حجت الاسلام یحیی عبداللهی، عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی چندی قبل در نشست علمی ترویجی «نظریه تواتر نظام مند در روش شناسی فقه نظام» که در محل مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع) برگزار شد، به تبیین نظریه «تواتر نظام مند» پرداخت و اظهار داشت: «تواتر نظام مند» را می توان روشی در مسیر توسعه و ارتقاء روش های استنباط از شریعت به منظور دستیابی به معارف کامل تر دانست که بر پایه روش های متقن و یقینی پیشین استوار می گردد. در این نشست سعی داریم با شناسایی مناط «تواتر»، آن را از محدوده اقسام سه گانه تواتر توسعه داده و قسم نوینی از تواتر را ارائه دهیم.

وی افزود: «تواتر نظام مند» مبتنی بر دو عامل کمی «کثرت عددی» و عامل کیفی «هماهنگی و انسجام» میان ادله می تواند احتمال تبانی بر کذب و دیگر احتمالات مشابه را منتفی ساخته و اصالت و اعتبار مفادی که برآیند این نظام ادله است را اثبات کند.

عبداللهی با اشاره به اینکه بیان دیدگاه و منظر دین می بایست از طریق کاربست «روش اجتهادی» در استناد به کتاب و سنت باشد، گفت: اجتهاد و استنباط در حوزه دین می بایست مبتنی بر «اصول و روش های متقن و جامع» صورت پذیرد. شاخصه «روش اجتهادی»، به کارگیری بالاترین ظرفیت معرفتی و دقت عقلی در تحصیل مرادات شارع به نحو روشمند، با تکیه بر علم و یقین در احراز حجیت است به گونه ای که از روش های ظنی که فاقد حجیت اند پرهیز می شود. در استناد به شرع، «نگاه جامع» به ادله ضروری است که می بایست به فحص از ادله و تجمیع قرائن و جمع بندی میان آنها و در نهایت قضاوت منجر شود.

«روش اجتهادی» به علم فقه در حوزه احکام تکلیفی محدود شده است

وی ادامه داد: متأسفانه امروزه «روش اجتهادی»، به علم فقه در حوزه احکام تکلیفی محدود شده است و در علوم دیگر همچون کلام، تفسیر، اخلاق و... استناد به نقل به صورت اجتهادی و با کاربست قواعد استنباط و تجمیع همه ادله و عرضه آنها به یکدیگر کمتر صورت می پذیرد و از این منظر، روش های علمی آنها با روش فقهی در استنباط احکام شرعی فاصله دارد. آفت فاصله گرفتن از «روش اجتهادی» در فهم دین، برخورد گزینشی با ادله و نگاه انتزاعی و دچار شدن به ذوقیات و استحسان و تکیه بر مبانی و ارتکازات غیر مستند است.

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی افزود: «روش اجتهادی» موجود می‌بایست از جهات مختلف تکامل پیدا کند تا بتواند در حوزه‌های معرفتی دیگر همچون معارف توصیفی و ارزشی نیز موثر واقع شود، به عنوان نمونه خروجی روش اجتهادی موجود، «حکم» است، در حالی که امروزه با توسعه نیازمندی‌های اجتماعی و بسط معرفت‌های دینی، نیازمند استنباط «نظریه» در حوزه‌های مختلف دانش هستیم. استنباط یک «نظریه» غیر از استنباط یک «حکم» از منابع دینی است؛ استناد یک حکم می‌تواند محدود به یک موضوع واحد باشد که توسط جعل بسیط از سوی شارع صورت می‌گیرد و توسط خطابات مشخصی ابراز می‌شود اما استناد یک «نظریه» به شارع از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار است، چراکه «نظریه»، ابعاد و شئون مختلفی دارد که همین امر کار استناد را دشوار می‌سازد.

وی گفت: به عنوان مثال، نظریه اسلام در حوزه هستی‌شناسی، فلسفه تاریخ، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی تفاوت‌های چشمگیری با احکام رساله دارد. همچنین اگر این نظریه، یک نظریه بنیادین - مثل حوزه فلسفه و روش و معرفت‌شناسی - باشد در ابعاد و لایه‌های دیگر معرفتی تأثیر بسزایی خواهد داشت، از این رو می‌بایست هماهنگی و انسجام آن با دیگر موضوعات و مؤلفه‌های دینی احراز شود.

تفاوت تواتر نظام مند و تواتر معنوی

عبداللہی در ادامه به بیان تفاوت تواتر نظام مند و تواتر معنوی پرداخت و اظهار داشت: در تواتر نظام مند چنین نیست که همه اخبار، دلالت یکسانی داشته باشند، بلکه دلالت‌ها متفاوت و متنوع است و از این جهت به تواتر اجمالی شبیه می‌شود، اما این دلالت‌ها، پراکنده، متشتت و بی ربط نیستند، بلکه در عین تنوع، منظومه‌ای منسجم است که مکمل یکدیگرند و پس از ترکیب، در کنار یکدیگر دلالت واحدی پیدا می‌کنند که محصول کل است. در مثال پازل؛ تصویر پازل محصول ترکیب و چینش مناسب همه قطعات در کنار یکدیگر است. برخلاف تواتر لفظی و معنوی که دلالت‌ها یکسان و مشابه است. در مثال فوق از تواتر معنوی، علم به ملکه نفسانی «شجاعت» پس از تکرار وقایعی است که تک تک آن‌ها دلالت ضعیفی (ظنی) بر شجاعت فرد دارد، هرچند نفی احتمال‌های دیگر و علم و یقین به وجود این صفت نفسانی، نیازمند تکرار است؛ اما در تواتر نظام‌مند، تک تک عناصر به نحو مستقل، فاقد دلالت نسبت به برآیند کل هستند. در تمامی موضوعات سیستمی و نظام مند چنین است که عناصر به رقم تنوع و تفاوت بایکدیگر، انسجام و هماهنگی داشته و یک محصول و برآیند واحد را نتیجه می‌دهند.

یقینی بودن تواتر نظام مند

وی با اشاره به یقینی بودن تواتر نظام مند، تصریح کرد: تذکر این نکته ضروری است که سنخ اطمینان و یقین حاصل از تواتر، علم و یقین منطقی و فلسفی نیست، بلکه یقین عرفی و عقلایی است که در نهایت موجب اطمینان و آرامش نفس می‌گردد. به بیان دیگر مفاد تواتر در نهایت، احتمال عقلی توطی بر کذب را نفی نمی‌کند چنانچه اجتماع نقیضین محال است! بلکه با کثرت خبر، به تدریج احتمال توطی بر کذب کاسته شده و میل به صفر پیدا می‌کند، احتمالی که عقلا بدان اعتنا نمی‌کنند. شهیدصدر (ره) با بیان این اشکال، حجیت تواتر را مبتنی بر حساب احتمالات اثبات کرده است، به گونه‌ای که

با هر بار تکرار یک خبر، بر احتمال صدق مفاد آن افزوده شده تا جایی که انسان به اطمینان و یقین می‌رسد، در تواتر نظام مند نیز چنین است هر مقدار که «کثرت» و «هماهنگی» بیشتر باشد، احتمال صدق بیشتر شده تا جایی که عادتاً احتمال عدم صدور آن از شارع به صفر میل می‌کند و لایعتنابه می‌شود؛ بنابراین نمی‌بایست از تواتر نظام مند انتظار علم و یقین فلسفی داشت چنانچه در دیگر اقسام تواتر نیز چنین است.

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی افزود: تنها تفاوت تواتر نظام مند با تواتر لفظی و معنوی در این است که فاقد «تکرار یکسان» است، اما عنصر کیفی «هماهنگی» می‌تواند این خلاء را پر کند، بلکه عادتاً «هماهنگی»، در مقایسه با «تکرار یکسان»، سهم تأثیر بیشتری در افاده قطع و یقین دارد، به عنوان مثال یک فرد ممکن است با سی مورد «تکرار یکسان» احراز تواتر کند و به قطع و یقین برسد، اما با ده مورد «هماهنگ و منسجم» به همان مرتبه از یقین دست پیدا کند چرا که عامل کیفی هماهنگی، نقش موثرتری در افاده یقین ایفاء می‌کند. از طرفی دیگر، احتمال تبانی بر کذب توسط بیست نفر نسبت به یک موضوع، ممکن است اما احتمال تبانی بر کذب توسط ده نفر در موضوعات مختلف و هماهنگ منتفی است. در مثالی که از پازل گذشت، نفس هماهنگی قطعات با یکدیگر و تشکیل یک تصویر کامل، قرینه مهمی است بر اینکه قطعات در جای صحیح خود قرار گرفته‌اند. همچنین می‌توان در مصنوعات بشری اینگونه مثال زد که مهم‌ترین قرینه بر اینکه قطعات یک دستگاه در جای صحیح خود قرار گرفته‌اند این است که این دستگاه روشن می‌شود و به نحو مطلوب کار می‌کند.

وی گفت: توجه به این نکته نیز ضروری است که کبرای نهفته در تواتر نظام مند، شبیه کبرای برهان نظم است که این نظم و هماهنگی نه می‌تواند صدقه و اتفاق باشد و نه خلق جاعلان و کذابین، بلکه همان گونه که از نظم این عالم به وجود ناظمی حکیم پی می‌بریم، از نظم و نظام روایات نیز به مصدري معصوم و حکیم یقین پیدا می‌کنیم: «فَمَا تَنَاقَصَتْ أَعْمَالُكَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ، وَلَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ». از این رو می‌توان برهان نظم را پشتوانه این روش به حساب آورد و یا این دو را از یک سنخ دانست.

تبیین روش نظام سازی

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی در ادامه به تبیین «روش نظام سازی» پرداخت و گفت: «نظام سازی» در مقام استنباط از آنجا حائز اهمیت است که این «نظام» می‌بایست به شارع مقدس استناد داده شود. اینکه گفته شد در تواتر نظام مند تک تک عناصر دلالتی بر نتیجه و برآیند کل ندارند بدان معنا نیست که شارع مقدس نیز چنین قصد و غرضی نداشته و ملحوظ او واقع نشده است! بلکه حتماً «ترکیب به دست آمده» و «نتیجه و برآیند آن» از سوی شارع لحاظ شده است، در غیر این صورت استناد مفاد تواتر به شارع و حجیت آن مخدوش خواهد بود؛ بنابراین فرق است بین دلالت تک تک عناصر در مقام اثبات و قصد و لحاظ شارع در مقام جعل. در تواتر نظام مند حتماً تک تک عناصر معطوف به نقشه کل، جعل شده‌اند هر چند چنین دلالتی در تک تک آن‌ها نباشد و هماهنگی آن‌ها از موضعی دیگر واقع شود و دلالت نهایی آن‌ها پس از ترکیب شکل گیرد.

عبداللهی در پایان خاطرنشان کرد: بنا بر آنچه گذشت می‌توان مناط تواتر را که «کثرت عددی مفید قطع» است را به «مجموعه‌ای هماهنگ و نظام مند از ادله» تعمیم داد و قسم دیگری از تواتر را ارائه نمود. این فرد جدید تواتر دارای دو عامل کمی «کثرت عددی» و عامل کیفی «هماهنگی و انسجام» است و از تقویم این دو، «کثرت هماهنگ» را پدیدار می‌سازد. در این صورت می‌توان گامی کوچک و ابتدائی در مسیر توسعه روش‌های علم اصول فقه در مسیر نظام سازی فقهی برداشت به گونه‌ای که پایه‌های اعتبار و حجیت آن، بر مبنای مستحکم فقاہت موجود استوار گردد. البته می‌دانیم که نظام سازی فقهی در نخستین گام‌های خود به سر می‌برد و نیازمند مجاهدت جمعی علما و فضلاء حوزوی در عرصه روش شناسی است تا این مسیر خطیر با انضباط کامل علمی پی‌موده شود.

نقدهای ناقد کرسی علمی ترویجی

در ادامه حجت‌الاسلام محمد عشایری منفرد، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه به عنوان ناقد کرسی علمی ترویجی «نظریه تواتر نظام مند در روش شناسی فقه نظام» به نقد سخنان حجت‌الاسلام عبداللهی پرداخت و گفت: نگاه مجموعی و نظام‌مند به ادله فقهی و غیر فقهی برای اینکه به معارف نظام مند و تصویر مناسب و نیز کشف راه‌های جدید برای حجیت‌بخشی برسیم لازم است. تصور بنده این است که نهایتاً استاد عبداللهی در نگاهی منظومه‌نگران به مجموعه‌ای ادله (تعبیر مجموعی تعبیر درست نیست) این نگاه نیازمند حجیت است؛ هم در نحوه نظم و نسق دادن به مجموعه ادله و هم در خروجی این منظومه ادله نیازمند حجیت هستیم.

وی افزود: نظریه تواتر نظام در واقع تلاش می‌کند با الهام از دو عنصر دخیل در تواتر مشهور (که چیزی جز کثرت اطمینان‌آور در مصداق‌های متکثر نیست) مساله جدیدی را خلق کند (که نام آن را تواتر نظام مند گذاشته‌اند) و بوسیله آن هم کیفیت نظم و نسق دادن به مجموعه ادله و کیفیت تبدیل کردن مجموعه‌ای از ادله را اعتبار دهند و هم به معرفت نهایی - که خروجی این منظومه ادله است - اعتبار دهند.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه اظهار داشت: گزاره کلی واحدی است که از تعداد کثیری از ادله استفاده می‌شود و همه آنها جزئی‌های آن گزاره کلی هستند. خب! در آنجا چگونه فقیهان بوسیله تواتر توانسته‌اند اعتبار آن معرفتی را که از مجموعه‌ای ادله به دست می‌آید را اثبات کنند ما هم می‌توانیم چنین کاری را در جزء‌های انسجام دهنده و تشکیل دهنده یک کل هم مورد استفاده قرار بدهیم؛ به عبارت دیگر دو عنصر دخیل در تواتر مشهور و رایج و مصطلح و شناخته شده که چیزی نیست جز کثرت اطمینان‌آور در مصداق‌هایی متکثر برای یک گزاره کلی، همان را می‌خواهیم در کثرت اطمینان‌آوری که در جزء‌های یک کل است نه در جزء‌های یک کلی، بیاوریم. لکن این کثرت اطمینان‌آور فقط بوسیله «عنصر کمیت» به دنبال اثبات حجیت نیست بلکه در کنار آن از «عنصر انسجام» نیز بهره می‌گیرد.

عشایری منفرد در پایان خاطرنشان کرد: با توجه به مطالبی که عرض شد؛ بنده چنین تصویری از این ایده و نظریه آقای عبداللهی دارم؛ یعنی یک بازآفرینی از همان تواتر است که در جای جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنا بر این شاید بهتر بود نظام مندی صفت برای تواتر قرار نمی‌گرفت بلکه ظرف برای آن قرار داده می‌شد؛ یعنی گونه‌ای چهارم از تواتر در منظومه و مجموعه ادله.